



## Crimes against Children in the Procedure of the International Criminal Court

**Samira Mosala<sup>1</sup>, Seyed Bagher Mir Abbasi<sup>\*2</sup>, Mostafa Taghizadeh Ansari<sup>3</sup>**

1. Ph.D Student of Public International Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Visiting Professor at the Faculty of Law, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 195-212**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID: 0000-0001-9720-2407**

**TELL: +0000000000**

**Email: mirabbassi@parsilo.com**

**Article history:**

**Received: 25 Aug 2023**

**Revised: 12 Oct 2023**

**Accepted: 22 Nov 2023**

**Published online: 22 Dec 2023**

**Keywords:**

*International Criminal Courts, The Statute of the International Court, Crimes against Children, The Procedure of Criminal Courts.*

### ABSTRACT

All people from every nation and tribe, race and religion, religion and belief agree that one of the most central individual and social actions is the education and guidance of children for the future. An action that is considered a necessary and undeniable condition for the growth and development of human society. The issue of armed hostilities is one of the most important issues in the international and domestic arena. The world witnesses international and internal wars every day. Prevention of these conflicts depends on the development of democracy and respect for human rights and the rule of law in its various dimensions. Children are not the reason for provoking wars, but they always suffer the most injuries as a result of wars in various ways, according to history. One of the acute international problems of children is the issue of systematic aggression against children in armed conflicts, which is carried out with the aim of ethnic cleansing and... . The main focus of this research is on examining the issue of crimes against children and adolescents in international law. Due to its special importance, the legal status of juveniles is under the supervision of law enforcers, children's courts and correctional institutions that make up the juvenile justice system. Children have become unwanted symbols of armed conflicts and extreme violence and this research states that the International Criminal Court has not yet been able to provide the necessary protection for children at the international level.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Mosala, S; Mir Abasi, SB & Taghizadeh Ansari, M (2023). "Crimes against Children in the Procedure of the International Criminal Court". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 195-212.



انجمن عالی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

## جنایت علیه کودکان در رویه دیوان بین‌المللی کیفری

سمیرا مصلی<sup>۱</sup>، سیدباقر میرعباسی<sup>۲\*</sup>، مصطفی تقی‌زاده انصاری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. استاد مدعو، دانشکده حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

تمام انسان‌ها از هر مذهب، دین و قوم و قبیله، نژاد و عقیده بر این نظر اتفاق دارند که یکی از اصلی‌ترین اعمال فردی و گروهی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست و رشد کودکان برای ایجاد آینده‌ای بهتر می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه انسانی تلقی می‌شود. موضوع مخصصات و جنایت علیه حقوق بشر و بالمآل حقوق کودکان در عصر حاضر یکی از موضوعات مهم در عرصه بین‌المللی و داخلی است. جهان هر روزه شاهد جنگ‌های بین‌المللی و داخلی می‌باشد. پیشگیری از این مخصصات در گرو توسعه مردم‌سالاری و رعایت حقوق بشر و حکومت قانون در ابعاد گوناگون آن است. کودکان عامل برانگیختن جنگ‌ها نیستند، ولی همواره به گواه تاریخ بیشترین صدمات را در اثر جنگ‌ها به صورت گوناگون متحمل شده و می‌شوند. از مشکلات حاد بین‌المللی کودکان مسأله تجاوز نظام‌یافته علیه کودکان در مناقشات مسلحانه است که با هدف پاک‌سازی قومی و ... به‌طور وحشیانه صورت می‌پذیرد. مسلماً برخورد قاطع و جدی جامعه بین‌المللی می‌تواند تأثیر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب به این اعمال غیرانسانی داشته باشد. تمرکز اصلی این پژوهش بر بررسی مسأله جنایت علیه کودکان و نوجوانان در رویه‌های بین‌المللی است. وضعیت حقوقی کودکان و نوجوانان به‌دلیل اهمیت ویژه‌ای که دارد، تحت نظارت مجریان قانون قرار می‌گیرد. کودکان به نمادهای ناخواسته درگیری‌های مسلحانه و خشونت شدید تبدیل شده‌اند و این پژوهش بیان می‌دارد دیوان بین‌المللی کیفری تاکنون نتوانسته حمایت‌های بایسته و شایسته لازم را از کودکان در سطح بین‌المللی بنماید.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۵-۲۱۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۲۴۰۷-۹۷۲۰-۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: mirabbassi@parsilo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

محاكم کیفری بین‌المللی، جنایت علیه کودکان، رویه محاکم کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

بدون تردید دوران کودکی حساس‌ترین و تأثیرگذارترین دوره زندگی انسان است. در این دوران ابعاد مختلف جسمی و روانی کودک در حال شکل‌گیری و تکامل است. رشد سلامت جسمی و روانی کودک مستلزم مهیا بودن شرایط متعددی است که نقض هر یک از آن‌ها فرآیند رشد صحیح کودک را به مخاطره انداخته، آینده زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرگونه خشونت علیه کودکان در جامعه، نزد قانون و همچنین در قرائت اخلاقی ممنوع بوده و قابل توجیه نیست. حقوق بین‌الملل کنونی، دولت‌ها را مکلف ساخته که از همه کودکان در مقابل تمامی اشکال خشونت حمایت کنند. اساساً نظام بین‌المللی حقوق بشر بر احترام به کرامت هر انسانی استوار است. خشونت علیه کودکان حد و مرزی نمی‌شناسد و امروزه نژاد، طبقه، مذهب و فرهنگ را درنوردیده و در همه کشورهای جهان کودکانی وجود دارند که همواره در معرض ترس و تجربه خشونت هستند. از جهت دیگر، فرآیند آخر در گسترش رژیم‌های حقوقی، قراردادن قوانین کیفری در حمایت از اصول و قواعد آن نظام می‌باشد (Bantekas & Nash, 2007: 18). در موضوع حقوق بین‌الملل، عدالت جزء اصلی حفظ صلح می‌باشد (Human Rights Watch, 2008: 6). جنایت علیه کودکان یا کودک‌آزاری، ابعاد و شقوق مختلفی دارد، نظیر کودک‌آزاری عاطفی، جسمانی و ...، اما خطرناک‌ترین گونه آن، همان کودک‌آزاری جنسی است که خود شامل طیف وسیعی از رفتارهاست. خشونت و کودک‌آزاری جنسی به هرگونه وادارنمودن یا مجبور کردن یا حتی تطمیع و تحریک و تهییج کردن کودکان، به‌سوی تن‌دادن به رفتارهای جنسی، فحشا، روسپی‌گری و هرزه‌نگاری اطلاق می‌شود که ذاتاً با امنیت و سلامت فکری و روانی کودکان معارضه داشته و مانع از رشد و تکامل شخصیتی آن‌ها در آینده می‌گردد. این جنایات توسط دولت و سایر سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند، طراحی می‌شود و فرد مرتکب به‌عنوان بخشی از حکومت مرتکب آن می‌شود، از جمله این جنایات می‌توان قتل، به بردگی گرفتن، ریشه‌کن کردن، محبوس کردن، شکنجه، خشونت‌های جنسی،

ناپدیدکردن اجباری اشخاص، اعمال غیرانسانی مشابه را نام برد.

## ۱- بیان مسأله

با ایجاد محاکمی همچون دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (زین‌پس دادگاه یوگسلاوی) و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا (زین‌پس دادگاه رواندا)، دادگاه‌های ویژه تیمور شرقی و سیرالئون، بحث عدالت کیفری سازمان‌یافته برای نقض‌های گسترده، فاحش و نظام‌یافته حقوق بشر مطرح شد.

گرچه تأسیس چنین محاکمی در راستای قضایی‌نمودن حمایت از حقوق بشر بود، برای بسط و توسعه چنین حمایتی، نیاز به محاکمی با صلاحیت گسترده‌تر بود. در واقع طرح ایجاد یک محکمه کیفری بین‌المللی که در کنوانسیون‌هایی همچون ۱۹۷۳ منع آپارتاید و ۱۹۴۸ منع نسل‌کشی... از آن یاد شده است، مستلزم تأسیس محکمه‌ای دائمی و جهانی بود (بیبک‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۲-۲۱).

مواردی که در نظام‌های کیفری واجد وصف مجرمانه می‌باشد و آنچه که چهره زشت‌تری به این اعمال می‌بخشد، ارتکاب منظم آن‌ها در پیشبرد سیاست یک دولت می‌باشد. یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی است که جنایات علیه بشریت نام می‌گیرد. به همین دلیل ما نیازمند دادگاه بین‌المللی برای این افراد هستیم تا بتوانیم دور از تحت تأثیر قرارگرفتن محاکم به مجازات و محاکمه این افراد بپردازیم. تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات افرادی که مرتکب نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شده‌اند و در راستای اجرای عدالت و پایان‌دادن به بی‌کیفرماندن مسؤولین جنایات و جلوگیری از تکرار این جنایات و استقرار مجدد قانون محسوب می‌شود. طبق تعریف قابل احترام «سازمان بهداشت جهانی»<sup>۱</sup>، کودک‌آزاری به هرگونه آزار و اذیت جسمی، عاطفی و روحی کودکان یا ارتکاب رفتارهای متضمن بی‌مبالاتی علیه آن‌ها یا

<sup>1</sup> - World Health Organization

چیزی حدود نیمی از جمعیت کودکان کره زمین، قربانی خشونت می‌شوند. در همین گزارش آمده است که یکی از هر چهار دختر در همین آمار، خشونت جنسی را پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی تجربه کرده است، البته این وضعیت شامل حال پسران هم می‌شود، به طوری که برای مثال، آمار سالانه خشونت جنسی کودکان در هائیتی ۲۶ درصد و در مورد پسران ۲۱ درصد است.

## ۲- رابطه حقوق بشری و کودکان و حقوق بین‌الملل کیفری در رویه‌های دیوان بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل، عدالت جزء ضروری حفظ صلح می‌باشد (Human Rights Watch, 2008: 6)، بدین معنا که تحقق صلح و امنیت بین‌المللی که یکی از اهداف اصلی حقوق بین‌الملل است، در گرو برپایی عدالت می‌باشد. از این رو برای تضمین حمایت از عدالت بشری در سطح بین‌المللی به عنوان یکی از شاخصه‌های صلح و امنیت بین‌المللی، ایجاد یک دستگاه کیفری بین‌المللی لازم است. برخورد سازمان یافته کیفری بین‌المللی با نقض‌های قواعد بنیادین حقوق بشر، به محاکم نورنبرگ و توکیو در پایان جنگ جهانی دوم برمی گردد.

به نظر کوفی عنان، ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری گامی عظیم در جهت احقاق حقوق بشر و حاکمیت قانون و دستاوردی است که تا چند سال پیش ناممکن به نظر می‌رسید. در واقع امروز نظام جدیدی در تاریخ بشریت باز شده است که در بستر آن هیچ‌گونه مصونیتی از ارتکاب جرایم برای مقامات و سردمداران دولتی وجود ندارد (دیپهیم، ۱۳۸۰: ۲۸۶). شورای اتحادیه اروپا عنوان می‌کند که دادگاه بین‌المللی کیفری به منظور جلوگیری از ارتکاب نقض‌های جدی در موضوع صلاحیتش و برای حمایت از حقوق بشر و حقوق کودکان از کانال، امنیت، عدالت و حاکمیت قانون و حفظ آزادی و صلح و امنیت بین‌المللی ابزاری متین فراهم آورده است (EU Council Common Position..., 2003: 44; Tripathi, 2008: 13).

تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری از اصلی‌ترین ابزار توسعه در عرصه حقوق بین‌الملل از زمان تدوین منشور ملل متحد

رفتارهایی که به منظور سوءاستفاده، بهره‌کشی و تجارت آن‌ها صورت می‌گیرد.

اطلاق می‌شود که موجب ورود صدمه و آسیب بالفعل یا بالقوه به جسم، سلامتی، حیات و منزلت کودک واقع شده و ناشی از مسؤولیت‌گریزی نسبت به کودکان یا سوءاستفاده از اعتماد آن‌ها یا سوءاستفاده از حق.

برخورداری از عملیاتی‌سازی و پیاده‌نمودن یک‌سری از رفتارها نسبت به آن‌ها می‌باشد. از یک سو در چهارچوب دادگاه بین‌المللی کیفری که از ظرفیت‌های بالایی در خصوص اجرای عدالت برخوردار است. هرگونه ارزیابی از نقش محاکم در توسعه حقوق کودک فی‌نفسه سخت است، اما اظهار نظر و نتیجه‌گیری کلی در خصوص تأثیر کلی دیوان بر توسعه حقوق بشر مشکل است (Balasco, 2013: 49-51).

و از جهت دیگر، وجود دادگاه بین‌المللی کیفری صرف نظر از صدور احکام، خود می‌تواند نگرش مثبت دادگاه بین‌المللی کیفری را در حمایت از حقوق بشری و کودکان به تصویر بکشد.

بیشترین میزان خشونت‌های مختلف علیه کودکان در خصوص دخترها روی می‌دهد که از آسیب‌های جسمانی و تعرض‌ها تا وادارشدن به ازدواج زیر سن قانونی و درنهایت قتل را دربر می‌گیرد. خشونت‌هایی که در حیطه خشونت‌های خانوادگی‌ست و در مورد دختران، در طی زندگی می‌تواند حتی منبع آن از پدر تا پیش از ازدواج، به همسر در بعد از ازدواج تبدیل شود.

ماریان رایت ادلمن<sup>۱</sup> بانوی ۷۷ ساله آفریقایی - آمریکایی که فعال عرصه حقوق کودکان و مؤسس انجمن «صندوق دفاع از کودکان»<sup>۲</sup> نیز هست، می‌گوید: «اگر امروز برای احقاق حقوق کودکان بایستیم، بعدها نیازی نیست برای سایر حقوق مدنی جامعه تلاش کنیم.» دپارتمان خدمات سلامت آمریکا موسوم به «CDC»<sup>۳</sup> در آخرین تحقیقات خود به این نتایج وحشتناک رسیده است که سالانه بیش از یک میلیارد کودک، یعنی

<sup>1</sup> - Marian Right Edelman

<sup>2</sup> - Childrens Defense Fund

<sup>3</sup> - Centers for Disease Control and Prevention

منطبق خواهد بود. از این رو حقوق کودک و حقوق بین‌الملل کیفری در بستر اساسنامه دیوان با همدیگر ارتباط بسیار نزدیک و همبسته با یکدیگر دارند. بنابراین می‌توان از مکمل بودن حقوق کودک و حقوق بین‌الملل کیفری در بستر اساسنامه دیوان یاد کرد (Finell, 2002: 51).

البته حقوق بین‌الملل کیفری در برخی موارد، مفاد بسیاری از قواعد حقوق کودک را دربر نمی‌گیرد. ترویج حقوق بشر موضوعات زنان، کودکان، حقوق قربانیان، همگی می‌توانند با کارکرد و وظایف محوله دادگاه بین‌المللی کیفری مرتبط باشند، اما آن‌ها همگی به دیوان واگذار نشده‌اند، به همین ترتیب وظایف واگذار شده به دادگاه بین‌المللی کیفری کاملاً مشابه با وظایف سایر نهادهای حقوق بشری بین‌المللی نیست، چراکه دادگاه بین‌المللی کیفری در نهایت یک دادگاه کیفری است و بنابراین عملکردی متفاوت از دادگاه‌های حقوق بشری دارد، لذا حقوق کودک و حقوق بین‌الملل کیفری باید به صورت دو شاخه جداگانه، اما مکمل هم به حیات خود ادامه دهند (Finell, 2002: 53).

در قرن بیستم نسل جدیدی از مراجع عدالت کیفری پدید آمده‌اند تا مظنونان به جرایم بین‌المللی را تحت تعقیب و محاکمه قرار دهند. این محاکمه که موسوم به محاکمه کیفری بین‌المللی است، در مواردی تشکیل شده‌اند که در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی برخی جنایات ضدبشری، نسل زدایی و جنایات جنگی اتفاق افتاده است. این محاکمه به منظور رفع ضعف‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و داخلی طراحی شده‌اند، از قضات بین‌المللی و ملی ترکیب یافته و می‌توانند حقوق بین‌المللی و داخلی را اعمال کنند.

باید به یادداشت که دادگاه بین‌المللی کیفری در حمایت از حقوق بشر با موانع و محدودیت‌هایی نیز مواجه است و توجه به ظرفیت‌های آن به معنای نادیده‌انگاری این محدودیت‌ها نیست، ولی واقعیتی است که به هر حال کارکرد دادگاه بین‌المللی کیفری را در این حوزه تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه در خصوص اجرای جهانی حقوق بشر ابتدا باید میان دو سطح از اجرای حقوق بشر، و بالمآل حقوق کودک قائل به تفکیک شد.

قلمداد شده است (Bekou & Shah, 2006: 52). حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشر، رویکردهایی متفاوت به مسائل واحد دارند.

آرای دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به درستی به قوانین و قواعد حقوق بشری اشاره دارند؛ برای نمونه در قضیه فوروندزیا<sup>۱</sup>، هر دو طرف و همچنین شعبه تجدید نظر دادگاه یوگسلاوی، به پیمان حقوق مدنی و سیاسی و به‌ویژه به رویه قضایی در ارتباط با ماده ۶ آن در ارتباط با حق دادرسی عادلانه استناد جستند. بنابراین اگر یک معاهده حقوق بشری شامل یک مقررۀ کیفری شود، در چنین صورتی آشکارا مفاد چنین معاهده‌ای تا حدودی با مفاد معاهده مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری منطبق یا همپوشان خواهد بود. به این خاطر، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری در بستر اساسنامه دیوان با همدیگر ارتباط نزدیک و همبستگی دارند. بنابراین می‌توان از مکمل بودن حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری در بستر اساسنامه دیوان یاد کرد (Finell, 2002: 51).

دادگاه بین‌المللی کیفری این ظرفیت را دارد که به‌عنوان یک نهاد بشری عملکردش را روی موضوعات و مسائل بشری متمرکز کند، چراکه وظیفه عام پیگرد و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی عمدتاً برگرفته از تعهدات حقوق بشری می‌باشد (بهمن تاجانی، ۱۳۹۴: ۲۵۷). حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل کودک رویکردهایی متفاوت به مسائل واحد دارند. آرای دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به صراحت به کنوانسیون‌ها و مصادیق حقوق کودک اشاره دارند. برای نمونه در قضیه فوروندزیا<sup>۲</sup>، هر دو طرف و همچنین شعبه تجدید نظر دادگاه یوگسلاوی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی و به‌ویژه به رویه قضایی در ارتباط با ماده ۶ آن در ارتباط با حق دادرسی عادلانه استناد جستند.

بنابراین اگر یک معاهده حقوق کودک شامل یک مقررۀ کیفری شود، در چنین صورتی آشکارا مفاد چنین معاهده‌ای تا حدودی با مفاد معاهده مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری

<sup>۱</sup>- ICTY, Prosecutor v. Furundzija, Case No. IT-95-17/1-T, 10 December 1998.

<sup>۲</sup>- ICTY, Prosecutor v. Furundzija, Case No. IT-95-17/1-T, 10 December 1998.

به‌ویژه در زمینه حقوق بشر ایجاد نموده است. نتیجه منطقی این تحول اساسی و تاریخی، برقراری نوعی ارتباط عمل‌گرایانه بین اعلامیه‌ها، میثاق‌ها و معاهدات حقوق بشری به‌عنوان یک مجموعه بدون ضمانت اجرا با سازوکارهای اجرایی و قضایی دیوان می‌باشد؛ امری که نهایتاً به تعهدات حقوق بشری مندرج در اساسنامه دیوان، ویژگی قضایی می‌بخشد. تأسیس دیوان، مهم‌ترین توسعه در عرصه حقوق بین‌الملل از زمان تدوین منشور ملل متحد قلمداد شده است (Beko & Shah, 2006: 529). در واقع دیوان در اساسنامه خود به مفهوم و محتوای حقوق بشر عینیت بخشیده و کمبودهای سایر نهادهای حقوق بشری را در حمایت از حقوق بشر جبران کرده است (Oberleitner, 2007: 159). دیوان این ظرفیت را دارد که به‌عنوان یک نهاد بشری، کارکردش را روی نگرانی‌های بشری متمرکز کند (Balasco, 2013: 61).

**۳-۱- ماهیت حقوق کودک جنایات مشمول صلاحیت دیوان**  
یکی از مسائل بحث‌برانگیز مباحث مربوط به صلاحیت‌های دادگاه بین‌المللی کیفری است که در کنفرانس رم از آن با عنوان مسأله‌ها یاد شده است (رضوی فرد و نصرالهی شهری، ۱۳۹۵: ۳۹). البته حقوق بین‌الملل کیفری در برخی موارد، مفاد بسیاری از قواعد حقوق بشر را دربر نمی‌گیرد. ترویج حقوق بشر، موضوعات زنان و کودکان، حقوق قربانیان، همگی می‌توانند با کارکرد و وظایف محوله دیوان مرتبط باشند، اما آن‌ها همگی به دیوان محول نشده‌اند. به همین ترتیب وظایف واگذار شده به دیوان کاملاً مشابه با وظایف نهادهای حقوق بشری نیست، چراکه دیوان نهایتاً یک محکمه کیفری است، بنابراین رویکردی متفاوت از دادگاه‌های حقوق بشری که رویکردی صرفاً حقوقی دارند، دارد.

لذا حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری باید به‌صورت دو شاخه جداگانه، اما مکمل هم، به حیات خود ادامه دهند. دیوان همچنین نقشی مهم در حوزه توسعه زمینه‌های رعایت حقوق بشر غیرقابل تخطی، قواعد آمره بازی می‌کند؛ حقوقی که باید تحت هر شرایطی مورد رعایت واقع شوند. در این میان مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد کودکان پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰ نوامبر

در سطح سرزمینی دولت‌ها متعهد به تضمین حمایت کافی از حقوق بشر درخصوص افراد مقیم در قلمرو سرزمینی خود یا افراد متأثر از اقداماتشان در قلمرو سرزمینی‌شان هستند؛ سطح دوم اجرای حقوق بشر، سطح بین‌المللی است که در آن دولت‌های خارجی یا سازمان‌های بین‌المللی در راستای ایفای تعهدات حقوق بشری توسط حکومت مربوطه به آن دولت، کمک، فشار یا اجبار وارد می‌کنند. مسؤول اولیه اجرای حقوق بشر در سطح داخلی یا ملی افراد، به‌ویژه مأموران دولتی هستند، درحالی‌که خطاب سطح دوم اجرا، دولت می‌باشد (Mayerfeld, 2003: 97). بنابراین اگر دیوان روی نقض‌های شدید حقوق کودک صلاحیت داشته باشد، نمی‌تواند مسؤولیت دولت برای احترام و رعایت حقوق کودک را در صلاحیت خود بگنجاند.

تأیید این امر آن است که مقررات دیوان تأثیری بر نوع و نحوه اجرای مجازات از سوی محاکم ملی ندارد، لذا «خوش بینی زیاد قضایی»<sup>۱</sup> به‌معنای اغراق در نقش محاکم کیفری در حمایت از حقوق کودک درست نیست، بدین‌معنا که اگرچه صرف وجود یک محکمه بین‌المللی کیفری حاکی از تکامل حقوق بشر است (Gallarotti & Preis, 1993: 110). مقوله حقوق کودک همچنان یک موضوع نسبتاً سیاسی است و ترویج و حمایت از آن، صرفاً از طریق برقراری عدالت کیفری محقق نمی‌شود (Oberleitner, 2007: 162).

از این‌رو هرچند اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری در مقایسه با اساسنامه سایر محاکم کیفری بین‌المللی روشن‌تر و جامع‌تر است، ممکن است همچنان کمبودها و ابهام‌هایی داشته باشد. با لحاظ موارد طرح‌شده به برخی از ظرفیت‌های مهم دیوان در حمایت از حقوق کودک پرداخته می‌شود (Oberleitner, 2007: 160).

### ۳- ظرفیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری در حمایت از حقوق کودکان

بررسی مفاد اساسنامه دیوان نشان می‌دهد که این نهاد قضایی جدید، تحولی نوین در عرصه کامل حقوق بین‌الملل،

<sup>۱</sup> - Judicial Romanticism

دیوان «خطرترین جرایم مورد اهتمام بین‌المللی است؛ جنایاتی که وجدان بشریت از ارتکاب آن‌ها یکه خورده و صلح، امنیت و آسایش جهان را تهدید می‌کند.» به نظر می‌رسد به‌جزء جنایت تجاوز که ماهیت حقوق بشری آن کم است، سایر جنایات مندرج در اساسنامه رم و مشمول صلاحیت دیوان (نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی)، در بخش زیادی مربوط به حقوق بنیادین بشر می‌باشند (Kaul, 2011: 9).

براساس کنوانسیون‌های ژنو قابلیت اعمال حقوق بشردوستانه تنها محدود به اتباع دولت‌های عضو است، اما دادگاه بین‌المللی کیفری بر مبنای اساسنامه خود می‌تواند بر جنایات ارتكابی در قلمرو کشور عضو یا توسط اتباع دولت عضو صلاحیت داشته باشد.

در چنین صورتی دادگاه بین‌المللی کیفری می‌تواند بر جنایات ارتكابی اتباع دولت‌های غیر عضو در قلمرو دولت عضو و صلاحیت بوده و در مقایسه با حقوق بشردوستانه حمایت بیشتری از قربانیان داشته باشد.

دادگاه بین‌المللی کیفری با پیش‌بینی انواع متفاوت از حمایت‌های حقوقی، در مسیر اجرای عدالت برای قربانیان گام برداشته است (رضوی‌فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۹۵)، اما دادگاه بین‌المللی کیفری در ارتباط با تکمیل صلاحیت خود به نقض‌های حقوق بشری و حقوق کودک با محدودیت‌هایی نیز مواجه است، جنایاتی که مشمول صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری هستند، صرفاً پیچیده‌ترین و غامض‌ترین جنایات بین‌المللی هستند که صلح، امنیت آسایش و وجدان بشری را بر هم می‌زنند.

به‌عنوان مثال ماده ۶ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد: «نسل‌کشی عبارت است از هریک از اعمال زیر که با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه، قومی، ملی، مذهبی و نژادی صورت می‌گیرد: ۱- کشتار اعضای یک گروه یا یک اقلیت قومی؛ ۲- وادار نمودن عمدی یک گروه در یک نوع شرایط زندگی که منجر به نابودی فیزیکی جزئی یا کلی آن‌ها شود؛ ۳- انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر، بدون داشتن سنخیت‌های قومی

و لازم‌الاجرا شده در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ است و نیز دو پرتکل اختیاری: یکی درباره فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، می ۲۰۰۰ و لازم‌الاجرا شده در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲ و دیگری درباره به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه مصوب مجمع عمومی ملل متحد، ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ و لازم‌الاجرا شده از ۱۲ فوریه ۲۰۰۰ (مقدمه پیمان‌نامه حقوق کودک). اسناد بین‌المللی دیگر نیز موادی را به‌صورت خاص به کودکان اختصاص داده‌اند، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ تصویب کرد.

این اعلامیه یک مقدمه و ده اصل درباره حقوق کودکان دارد. در مقدمه اعلامیه آمده است: نظر به این‌که کودک به‌علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قیل و بعد از تولد، به مراقبت و توجه خاص، شامل حمایت قانونی مناسب، در ابعاد خانواده و اجتماع نیازمند است، مجمع عمومی سازمان ملل این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی باشد و از کودک و جامعه‌اش از حقوق و آزادی‌هایی بهره‌مند شود، رسماً به آگاهی عمومی می‌رساند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۶۶).

البته قبل از پرداختن به ظرفیت‌های دیوان در زمینه ارتقای حقوق بشر، لازم به‌ذکر است که دیوان در حمایت از حقوق بشر، با موانع و محدودیت‌هایی نیز مواجه است و توجه به ظرفیت‌های آن، به‌معنای نادیده‌نگاری این محدودیت‌ها نیست، ولی واقعیتی است که به هر حال کارکرد دیوان را در این حوزه تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه ابتدا باید میان دو سطح از اجرای حقوق بشر «اجرای جهانی حقوق بشر» قائل به تفکیک شد. در سطح ملی، دولت‌ها متعهد به تضمین حمایت کافی از حقوق بشر درخصوص افراد مقیم در قلمرو سرزمینی خود یا افراد متأثر از اقداماتشان در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان هستند.

جنایات تحت صلاحیت دیوان عمدتاً از قواعد آمره‌اند؛ بدین معنا که پیوستن و نپیوستن کشورها، خدشه‌ای به اصل کلی رعایت آن‌ها وارد نمی‌سازد (اعلانی، ۱۳۷۸: ۳۹۶). بر طبق مقدمه و ماده ۱ اساسنامه دیوان، جنایات مشمول صلاحیت

و نژادی؛ ۴- جلوگیری از زاد و ولد در یک گروه و یک نژاد خاص.»

البته باید اذعان نمود که همه موارد نقض‌های حقوق کودکان واجد چنین ویژگی‌هایی نیستند. در واقع دایره صلاحیت موضوعی دادگاه بین‌المللی کیفری به خطیرترین جرایم مورد اهتمام جامعه بین‌المللی و بر فجع‌ترین جنایاتی که موضوع نگرانی جامعه بین‌المللی است، محدود می‌شود. همچنین آستانه جنایات مشمول صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری بسیار بالاست. احراز گسترده و سازمان‌یافته بودن نقض‌های حقوق بشر و همچنین قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه تا حدودی مشکل است. این موضوع می‌تواند بسیاری از جنایات علیه حقوق بشر را از حیطه صلاحیت دیوان خارج سازد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

از سویی دیگر، دیوان تنها به جنایات واقع در قلمرو دولت‌های عضو یا توسط اتباع دولت‌های عضو رسیدگی می‌کند، در حالی که تا به الان تنها ۱۲۴ دولت، عضو دیوان هستند، لذا یکی از محدودیت‌های بزرگ پیش روی دیوان در رسیدگی به نقض‌های حقوق بشری، دایره صلاحیت محدود آن است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۸). در مجموع کشورهایی که اتباع آن‌ها تقریباً دوسوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند به عضویت دیوان درنیامده‌اند و اگر دولتی به عضویت اساسنامه درنیامده باشد، در چهارچوب اساسنامه دیوان، دستش در دست‌یازیدن به نقض‌های شدید حقوق بشری در محدوده سرزمینی خویش باز است. این در حالی است که دادگاه بین‌المللی کیفری بدون همکاری دولت‌ها نمی‌تواند به اهداف مورد نظر خود نائل شود. دادگاه بین‌المللی کیفری در کلیه مراحل اولیه مربوط به رسیدگی‌های کیفری، شروع تحقیق و تعقیب تا اجرای حکم نیازمند کمک و همکاری دولت‌هاست (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). از نظر صلاحیت زمانی نیز صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری محدود به جنایات حقوق بشری و حقوق کودکان واقع شده بعد از الزام به اجرای اساسنامه این دادگاه از سال ۲۰۰۲ می‌باشد.

محدودیت دیگر پذیرش و اعمال اصل صلاحیت تکمیلی دادگاه بین‌المللی کیفری است و این دادگاه در زمانی به نقض

های حقوق کودکان در قالب جنایات مشمول صلاحیت خود رسیدگی خواهد کرد که دادگاه‌های ملی، مایل یا قادر به رسیدگی نباشند.

از سوی دیگر، بنابر ماهیت و چگونگی ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط سران کشورها و یا افراد بانفوذ، غالباً کشورها تمایلی به محاکمه جنایتکاران ندارند یا چون هنگام وقوع این گونه جرایم اکثراً درگیر ناآرامی‌های بلندمدت داخلی هستند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۷). سیستم قضایی این کشورها قدرت و صلاحیت لازم را برای محاکمه این‌گونه جنایتکاران ندارند.

اما دادگاه بین‌المللی کیفری در ارتباط با تسری صلاحیت خود به نقض‌های حقوق بشری، با محدودیت‌های دیگری نیز مواجه است. جنایاتی که مشمول صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری هستند، صرفاً جنایات بین‌المللی هولناک هستند که صلح، امنیت، آسایش و وجدان بشری را بر هم می‌زنند، درحالی‌که همه موارد نقض‌های حقوق بشری، واجد چنین ویژگی‌هایی نیستند. در واقع دایره صلاحیت موضوعی دادگاه بین‌المللی کیفری، به خطیرترین جرایم مورد اهتمام جامعه بین‌المللی و بر فجع‌ترین جنایاتی که موضوع نگرانی جامعه بین‌المللی است، محدود می‌شود.

#### ۴- ارجاع قضایی مربوط به جنایت علیه کودکان به دادگاه بین‌المللی کیفری

موضوع چگونگی ارجاع پرونده به دادگاه بین‌المللی کیفری حکایت از تحولات مثبتی است که با حقوق بشر و حقوق کودکان است. یکی از نکات حائز اهمیت در اساسنامه دیوان امکان ارجاع وضعیت‌های حقوق بشری از سوی دادستان به دیوان است، مبنای این عملکرد که ناشی از تجارب موفق عملکرد دادگاه‌های یوگسلاوی و روانداست دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری می‌تواند خود رأساً به‌عنوان مدعی‌العموم جامعه بین‌المللی در کل وضعیت‌های حاد حقوق بشری و کودکان را به دیوان ارجاع دهد، دادستان می‌تواند با کسب اطلاعات از دولت‌ها، سازمان ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی یا منابع معتبر دیگری که مناسب تشخیص می‌دهد (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۷۱). بر مشکلات ناشی از

محسوب شوند، بدین معنا که این نهادها نیز می‌توانند اقدامات سازمان‌یافته و گسترده‌ای در راستای ارتکاب جنایات بین‌المللی انجام دهند. از سویی دیگر از آنجا که دیوان درصدد اعمال صلاحیت بر اشخاص است و نه دولت‌ها (ممتاز و اکبری، ۱۳۹۵: ۴۴). مسؤلیت دادگاه بین‌المللی کیفری رسیدگی کیفری به جنایات واقع‌شده اشخاص حقیقی است نه حقوقی، لذا تنها اشخاصی که در رأس این نهادها و سازمان‌ها قرار دارند، در مقام فردی و مسؤول مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند.

بنابراین از آنجا که مسؤولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده است، تنها اشخاص حقیقی می‌توانند محاکمه و مجازات شوند و طرف دعوای اشخاص حقیقی باشند نه حقوقی، اما درخصوص رسیدگی به جنایات ارتكابی در چهارچوب اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری دارای چالش‌هایی است، چراکه اولاً مشکل ارجاع وضعیت یک دولت عضو توسط سایر دول عضو، به دلیل رعایت ملاحظات سیاسی همچنان به‌جای خود باقی است.

باید در این خصوص عنوان نمود که هریک از دول عضو می‌تواند بر طبق مفاد مواد (۱) ۱۴ و (۲) ۱۲ اساسنامه، موضوع ارتکاب یکی از جنایات مشمول صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری را در صورتی که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو و یا توسط اتباع یکی از دولت‌های عضو صورت گرفته باشد، به دیوان ارجاع دهد. چند مورد اخیر ارجاع وضعیت به دادگاه بین‌المللی کیفری نیز عمدتاً از سوی خود دولت محل وقوع جرم صورت گرفته است و به‌رغم بالارفتن وخامت اوضاع انسانی، به‌خاطر ملاحظات صرفاً سیاسی، هیچ دولت عضوی حاضر به ارجاع وضعیت دولت عضو دیگر به دیوان نشده است (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۷۳).

برای مثال وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو توسط خود دولت کنگو در سال ۲۰۰۴ وضعیت اوگاندا توسط خود دولت اوگاندا در سال ۲۰۰۴، وضعیت جمهوری آفریقای مرکزی توسط خود دولت آفریقای مرکزی در سال ۲۰۰۴ و وضعیت مالی توسط خود دولت مالی در سال ۲۰۱۲ به دیوان ارجاع شده است.

ملاحظات سیاسی مربوط به ارجاع وضعیت از سوی دولت‌ها و شورای امنیت فائق آمده و با ارجاع وضعیت‌های حقوق بشری، منجر به تحول در رسیدگی‌های یک محکمه کیفری بین‌المللی به مسائل حقوق بشری شود، البته در این خصوص بر طبق ماده (۲) ۱۲، اساسنامه برخلاف ارجاع توسط شورای امنیت، عضویت دولت محل ارتکاب جرم یا دولت متبوع متهم در دیوان لازم است، گرچه احتمال تبدیل نقش دادستان به ابزار فشاری برای دولت‌های کوچک از سوی دولت‌های بزرگ و بانفوذ در عرصه بین‌المللی دور از ذهن نیست، ولی در بستر سوابق مثبت نقش دادستان در محاکم کیفری بین‌المللی، سابق و نظارت شعب و قضات دیوان بر عملکرد دادستان می‌توان در عمل بر چنین فروضی فائق آمد (اجتهادی، ۱۳۷۸: ۲۸۰-۲۶۷).

همچنین دیوان در مقایسه با سایر نهادهای حقوق بشری از طرق مختلف حمایت بیشتری در باب امکان طرح دعوی و طرفین آن از حقوق بشر به‌عمل می‌آورد؛ برای خلاف نهادهایی مثل کمیته حقوق بشر که در آنجا امکان طرح دعوای دولت علیه دول، دیگر منوط به صدور اعلامیه است و امکان رسیدگی به دعوای علیه دولت تشریفات خاصی دارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری بر جنایات بین‌المللی به هنگام عضویت دولت ظاهر می‌شود و نیازی به صدور اعلامیه مثل کمیته حقوق بشر نیست. صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری با عضویت دولت محقق می‌شود و رسیدگی به شرایط در دادگاه بین‌المللی کیفری کلی است، درحالی‌که رسیدگی در نهادهایی مثل کمیته حقوق بشر، به‌صورت فردی است، لذا رسیدگی به یک شرایط بحرانی در دادگاه بین‌المللی کیفری که رسیدگی کیفری است، نمی‌تواند مانع رجوع افراد برای احقاق حق خود در نهادهای دیگری مثل کمیته حقوق بشر علیه دولتی خاصی شود. اصولاً ناقض حقوق بشر و طرف دعوی نزد نهادهای حقوق بشری عمدتاً دولت و نهادهای وابسته به آن می‌باشد، ولی در دادگاه بین‌المللی کیفری علاوه بر دولت گروه‌های سازمان‌یافته نیز ممکن است ناقض حقوق بشر و کودکان قلمداد شده و یا مرتکب جنایت بین‌المللی

نقض‌های جدی متعددی درخصوص حقوق کودک را مستند ساختند و اطلاعاتی فراهم ساختند که نشان می‌داد دارفور قادر یا مایل به رسیدگی نیست (Pillay, 2008: 13).

البته در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری امکان همکاری و معاضدت با سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری نیز وجود دارد. یکی از تأثیرات تأسیس دیوان بر توسعه روند همکاری دادگاه بین‌المللی کیفری با سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری تأثیر این نهاد روی روش‌شناسی فرایند حقیقت‌یابی سازمان‌های مذکور می‌باشد. نمونه بارز این مسأله قبلاً در دادگاه یوگسلاوی در زمینه پروژه مستندسازی حقوق بشر دوستانه در کوزوو موسوم به پروژه گروه بحران بین‌المللی، در سال ۱۹۹۹ شکل گرفته بود.

در ظرف ۷ ماه ۴۷۰۰ سند و مدرک از سوی قربانیان و شاهدان ارائه شد. برای این که این اسناد به راحتی قابل استفاده از سوی دادگاه باشد، پروژه اطلاعات را به پایگاه داده های الکترونیکی منتقل نمود، این امر فرایند همکاری میان نهادهای حقوق بشری غیردولتی و محکمه کیفری بین‌المللی را تسریع کرد (Human Rights First, 2004: 9). دادگاه بین‌المللی کیفری در موضوع **لوبانگا** که اتهام ایشان مشارکت دادن کودکان به عنوان کودکان سرباز در مخاصمات مسلحانه کنگو بود، ضمن تأکید بر مفاد کنوانسیون حقوق کودک، بر نقش مهم سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در تأمین اطلاعات لازم درخصوص ارتکاب نقض‌های حقوق بشری تأکید داشت.<sup>۱</sup>

#### ۵- قواعد مندرج در اساسنامه دیوان براساس ملاحظات حقوق کودکان

یکی دیگر از مهم‌ترین قوانین اساسنامه ماده (۳) ۲۱ می‌باشد که بیان می‌دارد: «اجرا و تبیین حقوقی که در این ماده پیش‌بینی شده است، باید مطابق با «حقوق بشر به رسمیت شناخته شده بین‌المللی» باشد.»

شورای امنیت تنها زمانی وضعیت را به دادگاه بین‌المللی کیفری ارجاع می‌دهد که صلح و امنیت بین‌المللی به هم بخورد. از این رو شورای امنیت سازمان ملل نه از جهت حمایت مستقیم از حقوق بشر، بلکه از جهت حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی اقدام می‌کند و به نظر می‌رسد که شورای امنیت ذاتاً یک نهاد سیاسی بوده و ممکن است که تحت تأثیر مؤلفه‌ها و ملاحظات سیاسی، از ارائه یک وضعیت حاد حقوق بشری خودداری کند، علاوه بر آن امکان ندارد که تمامی موارد نقض حقوق بشری به آستانه لازم برای ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت برسند. همچنین ممکن است که در موقع تعارض میان انتخاب حقوق بشر و حقوق کودکان و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت در قالب ماده ۱۶ رعایت حقوق بشر را قربانی مصالح سیاسی کرده و ادامه رسیدگی را متوقف کند. در رویه نهادهای حقوق بشری، از جمله کمیته حقوق بشر، دولت فرد نیز حق طرح شکایت دارد (تاموشات، ۱۳۸۶: ۳۵۰-۳۰۳)، ولی در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری بر طبق ماده ۱۳، اصل بر آن است که قربانیان اصلی جنایات بین‌المللی انسان‌ها هستند، اما آن‌ها در مقام فردی، حق درخواست رسیدگی وضعیت به دادگاه بین‌المللی کیفری را ندارند و تنها شورای امنیت سازمان ملل و دیگر دولت‌های عضو و شخص دادستان می‌توانند باعث ارجاع وضعیت به دادگاه بین‌المللی کیفری شوند. از این نظر در چهارچوب، اساسنامه، برخلاف نهادهای حقوق بشری، اشخاص حقیقی به هیچ‌وجه ابتکار ارجاع وضعیت به دادگاه بین‌المللی کیفری را ندارند.

همچنین این دادگاه می‌تواند و باید بر حقیقت‌یابی حقوق بشری در سطوح مختلف دولتی و غیردولتی تکیه نموده و از گزارشات آن نهادها استفاده نماید. برای مثال، پژوهش‌های گروه تحقیق سازمان ملل و گروه متخصصان شورای حقوق بشر دارفور، راه تحقیقات دادگاه بین‌المللی کیفری را هموار نمود.

کمیسیون بین‌المللی تحقیق شورای امنیت سازمان ملل درخصوص دارفور و مأموریت عالی رتبه شورای حقوق بشر درخصوص وضعیت حقوق بشر و حقوق کودکان در دارفور،

<sup>1</sup> - 1. ICC, The Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06, Appeals Chamber, 14, March 2012, Para.126.

نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر، مثل نظام اروپایی حقوق بشر نظام آفریقایی حقوق بشر و ... می‌شود. این امر به‌ویژه زمانی که قضیه مورد رسیدگی نزد دیوان مربوط به دولت عضو یا اتباع دولت عضو چنین نظام‌هایی می‌باشد، مطرح است. دیوان بر طبق مفاد ماده (۳) ۲۱ اساسنامه در موقع بروز تعارض میان مفاد اساسنامه و حقوق بشر به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی حقوق بشر را مرجح شمرده و اجرا و تفسیر اساسنامه را موکول به انطباق با مفاد حقوق بشر دانسته است.

در پرونده **لوبانگا** دیوان در ۱۴ مارچ ۲۰۱۲ **توماس لوبانگا** را به خاطر ارتکاب جنایات جنگی، نام‌نویسی، مشارکت و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه کودکان - سرباز مجرم شناخت و وی را به ۱۴ سال حبس محکوم نمود. رأی محکومیت و میزان مجازات تعیین‌شده در سال ۲۰۱۴ توسط شعبه تجدید نظر تأیید شد و وی برای گذراندن دوره محکومیتش به کنگو منتقل شد.

دیوان مقرر داشت (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۱: ۲۰۰): «زمانی که برگزاری جلسات عادلانه توسط دادگاه بین‌المللی کیفری به‌خاطر نقض حقوق بنیادین شخص متهم یا مظنون غیرممکن شود، شخص متهم نباید مورد محاکمه قرار گیرد... اگر محاکمه عادلانه نتواند صورت گیرد، فرایند قضایی باید متوقف شود<sup>۴</sup>»، البته برتری حقوق بشر نزد دادگاه بین‌المللی کیفری همواره مطلق نیست اگر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر پایین‌تر از استانداردهای مندرج در اساسنامه دیوان باشد، اساسنامه دیوان مرجح خواهد بود. برای مثال در قضیه **کاتانگا** شعبه دیوان نتیجه گرفت که حقوق قابل اعمال براساس اساسنامه بالاتر از حقوق قابل اعمال بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.<sup>۵</sup>

رویه دادگاه بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که در اعمال و تفسیر حقوق بشر بیشتر به‌عنوان محکمه حقوق بشری عمل می‌کند، نتیجه حتمی این نقش جدید آن است که دادگاه بین‌المللی کیفری در تفسیر حقوق بشر از «صلاح‌دید و درک

درواقع بر طبق این ماده، تمامی قوانین و مقررات مندرج در اساسنامه باید در کنار سایر معیارها، تعاریف و تعبیر تعیین‌شده و موجود در حقوق بین‌الملل بشر تفسیر شود.

این موضوع نشانی از جایگاه بسیار مهم مباحث حقوق بشری در اساسنامه دیوان است و در تأیید این برداشت ماده ۳۶ اساسنامه مقرر می‌دارد که: «**قضات نامزد باید در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، صاحب صلاحیت باشند.**» بنابراین قضات دیوان در صدور آرای خود از قواعد و قوانین و رویه‌های قضایی گسترده‌ای از حقوق بشری برخوردار خواهند بود. از مفاد ماده (۳) ۲۱ اساسنامه دیوان نکات مهمی استنتاج می‌شود: اولاً «حقوق بشر به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی» مندرج در این ماده، شامل منابع الزام‌آور مثل معاهدات و عرف و رویه‌های قضایی و همچنین اسناد غیرالزام‌آور می‌باشد، بنابراین با استناد به این ماده، دادگاه بین‌المللی کیفری می‌تواند حقوق بشر بین‌المللی شناخته‌شده را تفسیر نماید، به طوری که حتی شامل اسناد قانوناً غیرالزام‌آور نیز بشود.

شعبه تجدید نظر دادگاه در قضیه **کاتانگا** مقرر داشت که فقدان مقرر صریح در اساسنامه بر جبران خسارت مالی برای نقض حقوق متهم به‌معنای عدم وجود این حق نیست، بنابراین شعبه تجدید نظر، اختیار رعایت میثاق مدنی و سیاسی را به‌عنوان یک منبع معتبر به‌موجب حقوق بین‌الملل دارد.<sup>۱</sup>

از سویی دیگر دادگاه بین‌المللی کیفری در قضیه **لوبانگا** در تعیین مصادیق حقوقی قربانی و خسارت وارده به اصول راهنمای سازمان ملل متحد در خصوص حق بر جبران خسارت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه که الزام‌آور نیستند (موسوم به اصول ون بوون - باسیون<sup>۲</sup>) اشاره کرد.<sup>۳</sup>

حقوق بشر در معنای کلی به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی نه‌تنها شامل نظام حقوق بشر جهانی می‌شود، بلکه شامل

<sup>1</sup> - ICC, The Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07-522, Appeals Chamber, 27, May 2008, Para.49.

<sup>2</sup> - Van Boven-Bassiouni Principles.

<sup>3</sup> - ICC, The Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1486, Appeals Chamber, 21 October 2008, Para.37.

<sup>4</sup> - ICC, The Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-772, Appeals Chamber, 14 December 2006, Para.37.

<sup>5</sup> - ICC, The Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07-522, Appeals Chamber, 27, May 2008, Para.62.

عدم عطف به‌ماسبق‌شدن). طبق بند ۱ ماده ۱۲۶ اساسنامه، اساسنامه دیوان از اولین‌روز ماه پس از شصتمین‌روز از تاریخ تودیع شصتمین‌سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیرکل سازمان لازم‌الاجرا می‌شود. اساسنامه دیوان از اول جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردیده است.

برای آن دسته از کشورها که پس از این مدت اساسنامه را تصویب می‌نمایند یا با آن موافقت می‌کنند یا به آن ملحق می‌شوند، اساسنامه از نخستین‌روز ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش موافقت یا الحاق توسط آن دولت نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد. آن دسته از جرایم مشخص شده که دیوان صالح به رسیدگی به آن‌هاست، مشمول مرور زمان نمی‌شوند. صالح به رسیدگی به آن‌هاست، مشمول مرور زمان نمی‌شوند (دلماست مارتی، ۱۳۸۶: ۳۰۷)، اما تفسیر نمی‌تواند به قواعد حقوق بین‌الملل کیفری ماهوی تسری یابد و این رویکرد مغایر با «اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها»<sup>۲</sup> می‌باشد.

در ماده ۱ اساسنامه تصریح شده است که دیوان کیفری بین‌المللی مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود. تکمیلی‌بودن صلاحیت دیوان نسبت به محاکم ملی در مباحثات کمیته ویژه (Ad hoc) در سال ۱۹۹۵ به تفصیل مورد بحث واقع شده است و غالب نمایندگان شرکت‌کننده به این نکته تأکید داشته‌اند که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌بایست صلاحیت رسیدگی به جرایمی را که مطابق قوانین داخلی کشورها به محاکم ملی داده شده است، نفی نماید، بلکه دیوان باید تکمیل‌کننده صلاحیت محاکم ملی باشد، بدین‌معنا که تنها در صورتی که دادگاه‌های ملی صلاحیت‌دار قادر یا مایل به رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه نباشند، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آن جرایم را داشته باشد. باوجود آن‌که پاره‌ای از کشورهای شرکت‌کننده در این مباحثات پیشنهاد نموده بودند که تعریفی از تکمیلی‌بودن صلاحیت دیوان در اساسنامه منظور شود، نهایتاً توافقی در این مورد صورت نپذیرفت.

بالایی<sup>۱</sup> از جایگاه حقوق بشر برخوردار است (Svaček, 2014: 338).

دادگاه بین‌المللی کیفری تنها نسبت به آن دسته از جرایم ارتکاب‌یافته صالح برای رسیدگی که پس از لازم‌الاجراشدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند (اصل عدم عطف به‌ماسبق‌شدن) طبق بند ۱ ماده ۱۲۶ اساسنامه، اساسنامه دیوان از اولین‌روز ماه پس از شصتمین‌روز از تاریخ تودیع شصتمین‌سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیرکل سازمان لازم‌الاجرا می‌شود. اساسنامه دیوان از اول جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردیده است.

برای آن دسته از کشورها که پس از این مدت اساسنامه را تصویب می‌نمایند یا با آن موافقت می‌کنند یا به آن ملحق می‌شوند، اساسنامه از نخستین‌روز ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش موافقت یا الحاق توسط آن دولت نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد.

آن دسته از جرایم مشخص شده که دادگاه بین‌المللی کیفری تنها نسبت به آن دسته از جرایم ارتکاب‌یافته صالح برای رسیدگی که پس از لازم‌الاجراشدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند (اصل عدم عطف به‌ماسبق‌شدن). طبق بند ۱ ماده ۱۲۶ اساسنامه، اساسنامه دیوان از اولین‌روز ماه پس از شصتمین‌روز از تاریخ تودیع شصتمین‌سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیرکل سازمان لازم‌الاجرا می‌شود. اساسنامه دیوان از اول جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردیده است.

برای آن دسته از کشورها که پس از این مدت اساسنامه را تصویب می‌نمایند یا با آن موافقت می‌کنند یا به آن ملحق می‌شوند، اساسنامه از نخستین‌روز ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش موافقت یا الحاق توسط آن دولت نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد. آن دسته از جرایم مشخص شده که دادگاه بین‌المللی کیفری صالح به رسیدگی به آن‌هاست، مشمول مرور زمان نمی‌شوند. تنها نسبت به آن دسته از جرایم ارتکاب‌یافته صالح برای رسیدگی که پس از لازم‌الاجراشدن اساسنامه ارتکاب یافته باشند (اصل

<sup>2</sup>- Nullum Crimen Sine Lege

<sup>1</sup>- Margin of Appreciation

## ۶- امکان گسترش ساختارهای حقوق بشری و حقوق کودکان

به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت:

۱- نسل کشی (کشتار جمعی)<sup>۱</sup>؛ ۲- جرایم علیه بشریت<sup>۲</sup>؛ ۳- جرایم جنگی<sup>۳</sup>؛ ۴- تجاوز<sup>۴</sup>، لذا وجود قوانین داخلی مناسب اولین گام در راه کسب صلاحیت محاکم داخلی و تقویت سازوکارهای رسیدگی داخلی برای جلوگیری از اعمال صلاحیت دیوان است.

چهبسا کشورهایی که قوانین داخلی آن‌ها چندان مطابق با معیارهای حقوق بشری نیست و به محض الحاق به دیوان ممکن است با مشکل مواجه شوند.

از این رو کشورهایی که در فکر پیوستن به دادگاه بین‌المللی کیفری هستند، باید نسبت به تطبیق قوانین داخلی خود با قوانین حقوق بشری مندرج در اساسنامه دیوان اقدام نمایند. امکان دارد که دادگاه بین‌المللی کیفری بتواند اجرای بین‌المللی حقوق بشر را حتی بدون رسیدگی به یک پرونده تقویت نماید. چنین وضعیتی در تأثیر تحریک‌کننده بازداشت **آگوستو پینوشه** توسط انگلستان روی سیستم قضایی شیلی به ظهور یافت. بازداشت وی در انگلستان بحث‌های مفصلی در سطح محاکم شیلی در خصوص نقض‌های حقوق بشری وی به راه انداخت (Mayerfeld, 2003: 103).

دادگاه بین‌المللی کیفری می‌تواند در گسترش قواعد عرفی و رویه‌های بین‌المللی هم سهیم باشد. دادگاه یوگسلاوی در کیفرخواست دادستان علیه **فراندریچ** اهمیت و جایگاه حقوقی اساسنامه دیوان را در ایجاد قواعد عرفی به شرح زیر بیان داشت: «اساسنامه در اکثر حوزه‌ها می‌تواند حاکی از اجماع تعداد زیادی از دولت‌ها تلقی شود. با لحاظ ماده ۱۰ اساسنامه، توسل به اساسنامه می‌تواند به تشریح حقوق بین‌الملل عرفی کمک کند بنا به مورد می‌توان به اساسنامه دیوان به‌عنوان بیان حقوق عرفی و یا تدوین حقوق عرفی استناد جست،

اگرچه در برخی از حوزه‌ها به ایجاد حقوق جدید و یا اصلاح حقوق موجود می‌پردازد، در هر صورت اساسنامه دیوان می‌تواند در کل به‌عنوان یک سند معتبری که معرف «اعتقاد حقوقی»<sup>۵</sup> تعداد زیادی از دولت‌ها باشد، مورد استناد قرار گیرد.<sup>۶</sup>

«مواردی که به‌نظر می‌رسد در رویه دادگاه بین‌المللی کیفری زمینه شکل‌گیری قواعد عرفی را فراهم سازد، عبارت‌اند از:

۱- ممنوعیت جنایات جنسی به‌ویژه در مورد زنان و کودکان در اساسنامه با دقت زیاد؛

۲- افزایش شمول مفهوم جنایات جنگی ارتكابی در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی؛

۳- حذف همبستگی میان جنگ با جنایات علیه بشریت در اساسنامه که قبلاً مطرح بود؛

۴- حذف مصونیت مبتنی بر جایگاه رسمی افراد. این توسعه‌ها نقش دیوان را در حمایت از حقوق بشر و کودکان برجسته‌تر می‌سازد» (Mayerfeld, 2003: 104).

مطابق ماده ۲۵ اساسنامه، دیوان تنها نسبت به رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت. سؤال این است که آیا سمت‌های رسمی افراد و خصوصاً مصونیت‌های شناخته‌شده در حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی مانع از رسیدگی به جرایم آنان خواهد بود یا نه. ماده ۲۷ اساسنامه تصریح نموده است که سمت‌های رسمی افراد و به‌طور مشخص، سمت رسمی رییس دولت، عضو دولت، عضو مجلس، نماینده دولت رافع مسؤولیت کیفری نیست، به‌علاوه مصونیت‌های مقامات رسمی نیز موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید (رضوی‌فرد و نصرالهی شهری، ۱۳۹۵: ۳۹).

<sup>1</sup>- Genocide

<sup>2</sup>- Crimes against Humanity

<sup>3</sup>- War Crimes

<sup>4</sup>- Rape Offenses

<sup>5</sup>- Opinio Juris.

<sup>6</sup>- ICTY, Prosecutor v. Furundzija, Case No. IT-95-17/1-T, 10 December 1998, Para. 227, P.87-88.

دولت‌ها احترام بگذارند و از اعمال اقدامات حقوقی و قضایی علیه آن‌ها، حتی در مواردی که در خاکشان اقامت ندارند، خودداری نمایند، نتیجه‌ای جزء این نخواهد داشت که یک رییس دولت هیچ‌گاه به‌خاطر جرایم ارتكابی خود مورد محاکمه قرار نخواهد گرفت (فیوضی، ۱۳۷۹: ۴۰-۳۲).

#### ۷- مشارکت و حمایت از قربانیان جنایت علیه حقوق کودکان در ارجاع به دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان نخستین دادگاه در سطح جهانی است که امکان مشارکت مستقیم قربانیان در رسیدگی‌ها را فراهم می‌سازد. این امکان مشارکت بزه‌دیدگان در دادگاه بین‌المللی به‌عنوان نوآوری در نظام حقوق کیفری بین‌المللی به‌شمار می‌رود و دیوان در این خصوص نسبت به دیگر محاکم بین‌المللی پیش‌تاز است.

مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد کودکان پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ و لازم‌الاجرا شده در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ است و نیز دو پرتکل اختیاری: یکی درباره فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، می ۲۰۰۰ و لازم‌الاجرا شده در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲ و دیگری درباره به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه مصوب مجمع عمومی ملل متحد، ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ و لازم‌الاجرا شده از ۱۲ فوریه ۲۰۰۰ (مقدمه پیمان‌نامه حقوق کودک). اسناد بین‌المللی دیگر نیز موادی را به‌صورت خاص به کودکان اختصاص داده‌اند، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ تصویب کرد. اساسنامه خلأ موجود در عدالت را با انعکاس صریح حق قربانیان برای مشارکت در فرایند کیفری چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق نمایندگان، حقوقی در کلیه مراحل رسیدگی دیوان فراهم می‌سازد. قربانیان از طریق حضور اظهار عقیده ارائه پیشنهاد پرسش از گواهان کارشناسان و متهمان، حق ارائه ادله و حق بررسی سوابق می‌توانند در فرایند دادرسی دیوان شرکت کنند (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۴: ۷۸۸-۷۸۶).

شنیدن نظرات قربانیان پیش از صدور تصمیمات دیوان می‌تواند راهنمای دیوان در صدور آرا باشد (اسدی، ۱۳۸۸: ۷۳).

تشکیل دادگاه کیفری مختلط با همکاری یک نهاد بین‌المللی، ازجمله سازمان ملل متحد به‌ویژه در مواردی که دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جنایات مذکور را ندارد، راه حل مناسبی برای جلوگیری از بی‌کیفری جنایتکاران خواهد بود (Bergsmo & Benzing, 2004: 412).

وضعیت سیرالئون، تیمور شرقی و کوزوو نمونه‌های بارز فروپاشی و ناتوانی دستگاه قضایی ملی در تعقیب، دستگیری، محاکمه و اجرای مجازات جنایتکاران به‌علت جنگ داخلی هستند. توصیف عفو بین‌الملل در یکی از گزارش‌های خود در مورد ناتوانی دادگاه‌های محلی در سیرالئون به وضوح نماینده تمامی دیدگاه‌های ناظر بر فروپاشی دستگاه قضایی ملی پس از وقوع جنگ و درگیری داخلی است. در بخشی از این گزارش آمده است: «در نتیجه درگیری داخلی در سیرالئون نظام‌های قضایی و حقوقی تقریباً فرو ریخته‌اند و نهادهای اداری دادگستری، چه مدنی و چه جنایی به‌سختی کارآمد هستند».

در این راستا در قضیه کاتانگا، دیوان خود را متعهد نمود که از تحویل فرد متهم تحت صلاحیتش به کشوری که در اجرای مجازات وی را در شرایط سخت حقوق بشری قرار خواهد داد، اجتناب کند.<sup>۱</sup> نهایتاً دیوان می‌تواند زمینه‌ساز ایجار ساختارها و سازوکارهای حقوقی جدید باشد (Mayerfeld, 2003: 18).

از سوی دیگر، اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. مصونیت قضایی بدین معنا نیست که اشخاص دارنده آن به سبب اعمالی که انجام می‌دهند، مسؤول شناخته نمی‌شوند، بلکه صرفاً به‌معنای «عدم امکان اعمال صلاحیت قضایی دادگاه‌های داخلی بر سران دولت‌های خارجی» می‌باشد (Ian, 1998: 333). چه آن‌که مصونیت اصولاً زمانی مطرح می‌شود که سران یک دولت بدون رضایت دولت متبوع آن‌ها در محاکم دولت یا دولت‌های دیگر تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرند (عبدالهی، ۱۳۸۷: ۸۴)، ولیکن همین که بپذیریم امروزه این مسأله یک اصل مسلم در حقوق بین‌الملل است که به موجب آن، دولت‌ها ملزمند در موارد معینی به مصونیت سران

<sup>1</sup> ICC, The Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07-522, Appeals Chamber, 27, May 2008, Para.115.

همچنین به کارگیری ایشان در مخاصمات مسلحانه در منطقه ایتوری جمهوری دموکراتیک کنگو محکوم کرد. بر مبنای این محکومیت، در ژوئیه همان سال **لوبانگا** به ۱۴ سال حبس با احتساب و کسر مدت بازداشت محکوم شد ( ICC, Trial Chamber I, 2012: 1). آن چه در پرونده **لوبانگا** بیش و پیش از هر نکته‌ای جلب توجه کرد، انحصار اتهامات اقامه شده علیه وی به یک رفتار مجرمانه بود، یعنی جرم «کودک سربازی»<sup>۴</sup>، البته قربانیان نقض‌های حقوق بشری در چهارچوب رسیدگی‌های دیوان می‌تواند شامل متهمان نیز بشود، افرادی که خودشان، اگرچه مرتکب نقض‌های حقوق بشری شده‌اند، حقوق آن‌ها در روند رسیدگی‌های دیوان رعایت نشده است.

دیوان در قضیه **کاتانگا**، حق متهم بر برخورداری از تجدید نظر بدون تحمیل شرایط سخت اداری، ممنوعیت مجازات، مضاعف حق جبران خسارت مؤثر به متهم متحمل نقض بنیادین حقوق بشر، عدم تجویز محاکمات غیرعادلانه ملی شامل حبس در شرایط غیرانسانی یا مجازات اعدام و ... را در حمایت از حقوق متهم مورد شناسایی و تصریح قرار داده است.<sup>۵</sup>

### نتیجه‌گیری

ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری، بخشی از تلاش‌های گسترده جامعه بین‌المللی برای مبارزه با بی‌کیفری در قبال ارتکاب جنایات بین‌المللی است. این دادگاه در درجه اول، یک مرجع رسیدگی به مسؤلیت کیفری فردی قلمداد می‌شود، ولی همچنین نقش مهمی در مرحله اجرا و توسعه حقوق بشر دارد. دیوان در پرتو اساسنامه خود از طریق جلب توجه جهانیان به شدیدترین جنایات بین‌المللی که عمده‌تاً جنبه حقوق بشری دارند، یک نهاد حقوق بشری می‌باشد که از سازوکارهای کیفری برای رعایت و تضمین حقوق بشر استفاده می‌کند. با این حساب، تأسیس دیوان می‌تواند نوید بخش حرکتی بزرگ در حمایت کیفری از حقوق بشر باشد. از زمان محاکمات نورنبرگ تا تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دائمی

البته قضات باید زمانی اجازه مشارکت به قربانیان بدهند که هیچ‌گونه لطمه‌ای به حقوق متهم وارد نساخته و مطابق با رسیدگی‌های عادلانه باشد (Pillay, 2008: 8).

مقررات اصلی ناظر و حاکم بر حمایت از قربانیان و شاهدان در مواد ۶۸ و ۶۹ اساسنامه و مواد ۸۷ و ۸۸ آیین دادرسی دیوان مندرج است. از این منظر، آیین دادرسی دیوان یکی از اساسی‌ترین انعکاس حقوق بشری در چهارچوب دیوان است (Pillay, 2008: 8).

به موجب این مواد باید در کلیه مراحل رسیدگی دیوان اقدامات مناسبی و حتی قبل از آن به منظور حمایت از تمامیت امنیت و آرامش جسمی و روانی قربانیان و شاهدان با احتساب عواملی مانند سن جنس و بهداشت صورت بگیرد، به‌ویژه در جنایاتی که جنبه جنسی داشته یا علیه اطفال صورت گرفته باشد.

دیوان اقدامات لازم را در حمایت از این افراد با تأسیس نهادی موسوم به «واحد قربانیان و شاهدان»<sup>۱</sup> صورت داده است. دبیرخانه دیوان چنین واحدی را تأسیس کرده و مشاوره‌های بعدی را با سازمان‌های مدنی درخصوص نیازهای قربانیان تدارک می‌بیند، این نهاد اقدامات حمایتی، ترتیبات امنیتی، مشاوره و سایر کمک‌های مناسب را برای قربانیان حادثه و شاهدانی که در خطر هستند، فراهم می‌سازد.

در راستای حمایت از حقوق کودکان در زمان صلح و جنگ نظام عدالت کیفری بین‌المللی نیز روی به جانب جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حقوق کودکان آورده است. در این نظام «دیوان کیفری بین‌المللی» توجه ویژه‌تری به مسأله کودکان کرده است. شاهد این مدعا اولین پرونده به فرجام رسیده در دیوان، یعنی پرونده «**توماس لوبانگا دیلو**»<sup>۲</sup> است که دائر بر مدار حمایت از کودکان در زمان مخاصمه بود. شعبه اول دادرسی دیوان در مارس ۲۰۱۲ **لوبانگا** را به دلیل مشارکت در ارتکاب جرم جنگی (استخدام و سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال) در بخش نظامی «اتحادیه میهن‌دوستان کنگو»<sup>۳</sup> و

<sup>۴</sup> Child Soldiering.

<sup>۵</sup> ICC, The Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07, 11 May 2016, Paras.49, 74, 84, 105.

<sup>۱</sup> Victim and Witness Unit (VWU)

<sup>۲</sup> Thomas Lubanga Dyilo

<sup>۳</sup> Union of Congolese Patriots

**تشکر و قدردانی:** لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- اجتهادی، عباس (۱۳۷۸). جایگاه دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی و نقش دادستان آن، اسحاق آل حبیب، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت امور خارجه.

- اسدی، لیلیاسادات (۱۳۸۸). «جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی دادگستری». ۶۸: ۶۵-۹۱.

- اعلائی، مصطفی (۱۳۷۸). دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بشر و مسأله الحاق؛ دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت امور خارجه.

- بهمن تاجانی، شهرام (۱۳۹۴). «حاکمیت و مسؤولیت حمایت در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری». فصلنامه سیاست جهانی، ۴(۱): ۲۳۷-۲۶۱.

- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۷). «بررسی جنایت نسل کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری». مجله تحقیقات حقوقی، ۲۱: ۶۹-۱۰۴.

- پردال، ژان (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت.

- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر. ترجمه و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.

- دلماس مارتی، میری (۱۳۸۶). «دیوان بین‌المللی کیفری و میان‌کنش‌های حقوق داخلی و بین‌المللی». ترجمه روح‌الدین کردعلیوند، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۷: ۳۷-۲۹۷-۳۱۲.

- دوپوئی، پی یر ماری (۱۳۷۴). «ملاحظات پیرامون جرم بین‌المللی دولت». ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳: ۲۶۵-۳۱۴.

یکی از ایرادات مهمی که به‌عمل می‌آید، مسأله فقدان منابع قانونی جهت صدور رأی و تعیین کیفر برای مجرمان بین‌المللی بوده است. متهمان و وکلای مدافع آنان بارها در بیانات خود این ایراد را متذکر شده و عنوان نموده‌اند. تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مشخص کردن منابع مورد استناد این دیوان تحت عنوان حقوق قابل اجرا و تعیین ماهیت و سلسله‌مراتب آن‌ها پیشرفت قابل توجهی محسوب می‌گردد. برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی این امکان فراهم شده است که قربانیان در مراحل دادرسی مشارکت داشته باشند و علاوه بر بهره‌مندی از نماینده قانونی و مشاور در تمام روند دادرسی، امکان ادعای درخواست غرامت و همچنین تأسیس صندوق اعتباری مالی به نفع قربانیان، از جمله دستاوردهای این سند بین‌المللی محسوب می‌شود. این پژوهش به بررسی این تحول و نوآوری دیوان پرداخته و مزایا و کاستی‌های حقوق و نقش قربانیان و سازوکارهای حمایت از آنان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. رسیدگی به جنایات بین‌المللی و به‌ویژه جنایت علیه کودکان و مصادیق و عناصر خاص جرایم همچون عنصر مادی و عنصر قانونی، از جمله بزه‌دیدگی کودک، نسل‌کشی فرهنگی کودکان، جرایم جنگی (کودک‌سربازی) و مصادیق آن، جرایم جنسی علیه کودکان که عملاً دیده شده در وجه همت شایسته و بایسته دیوان بین‌المللی کیفری قرار نگرفته است و رسیدگی به جنایات بین‌المللی نیازمند حمایت از فرآیند دادرسی کیفری در این دادگاه است. چنین حمایتی هنگامی تأمین می‌شود که اخلاط‌گران در مسیر اجرای عدالت کیفری بین‌المللی مجازات شوند، نتیجه آن‌که، رویه‌های دیوان بین‌المللی کیفری تاکنون نتوانسته حمایت‌های لازم را از کودکان در سطح بین‌المللی بنماید.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** به‌صورت برابر.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۱). «حقوق کیفری با مطالعه موردی پرونده توماس لوبانگو». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۵۴: ۱۸۱-۲۰۴

#### ب. منابع انگلیسی

- Balasco, Lauren Marie, "The International Criminal Court as a Human Security Agent", the Fletcher Journal of Human Security, Vol.28, 2013.

- Bantekas Ilias (ed.) (2019) "Introduction: an. Interdisciplinary Criminology of International Criminal.

- Bekou, Olympia and Cryer, Robert (2007) "The International Criminal Court and Universal Jurisdiction: A Close Encounter", ICLQ, vol. 56.

- Finell, Peter, Accountability under Human Rights Law and International Criminal Law for Atrocities Against Minority Groups Committed by Non-State Actors, Abo Academy Institute for Human Rights, May 2002

- Gallarotti, Giulio M. & Arik Y. Preis, "Toward Universal Human Rights and the Rule of Law: The Permanent International Criminal Law", Australian Journal of International Affairs, 53(1), Academic Research Library, April 1993

- Ilias Bantekas and Susan Nash, International Criminal Law, Routledge-Cavendish, New York, 2007, pp xli+ 594

- Mayerfeld, Jamie, "Who Shall be Judge?: The United States, the International Criminal Court, and the Global Enforcement of Human Rights", Human Rights Quarterly, 25(1), February 2003

- Oberleitner, Gerd, Global Human Rights Institutions: Between Remedy and Ritual, United Kingdom, Polity Press, 2007

- Pillay, Navi, The International Criminal Court as a Human Rights Institution, Second Annual Distinguished Lecture on 'Criminal Justice and Human Rights', The Centre for Criminal Justice and Human Rights, Faculty of Law, University College Cork, Ireland, 21 February 2008.

- Schabas, William A. (2016), *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*, Oxford University Press.

- دیپیم، علیرضا (۱۳۸۰). *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- رضوی فرد، بهزاد و مرضیه دیرباز (۱۳۹۲). «اشکال متفاوت تعارض صلاحیت در حقوق بین‌الملل». *پژوهش حقوق کیفری*، ۱(۳): ۹۹-۱۱۷.

- رضوی فرد، بهزاد و نصرالهی شهری، نیما (۱۳۹۵). «اشکال متفاوت تعارض صلاحیت در حقوق بین‌الملل کیفری در پرتو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری». *مجله مطالعات حقوقی*، ۸(۲): ۳۳-۵۷.

- رضایی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳). «تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: افسانه یا واقعیت؟». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۶: ۹۳-۱۱۸.

- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۶). «تاملی بر ظرفیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری در حمایت از حقوق بشر». *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۳: ۱۶۵-۱۹۲.

- شبت، ویلیام آنتونی (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری*. ترجمه سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: جنگل.

- کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل کیفری*. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت.

- لعل علیزاده، محسن (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی مشارکت بزه‌دیدگان در محاکم کیفری بین‌المللی اختصاصی با دیوان کیفری بین‌المللی». *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۶(۲): ۷۷۳-۷۹۲.

- ممتاز، جمشید و مسعود اکبری (۱۳۹۵). «آمریکا و دیوان کیفری بین‌المللی: سیاست آونگی از تعامل تا تقابل». *فصلنامه راهبرد*، ۷۸: ۲۹-۶۲.

- Svaček, Ondřej, "Human Rights before the International Criminal Court", Czech Yearbook of Public & Private International Law (CYIL), Vol. 5, 2014.

- Tripathi, Dinesh, International Criminal Court, Universality of Human Rights and Impunity in Nepal, International Assassination of Democratic Lawyers, 2008.

#### ج. پرونده‌ها

- ICC, The Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-1486, Appeals Chamber, 21 October 2008.

- ICTY, The Prosecutor v. Dusko Tadić, Case No. IT-94-1-AR72, Appeals Chamber, Decision, 2 October 1995.

- ICC, The Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06, Appeals Chamber, 14 March 2012.

- ICC, The Prosecutor v. Lubanga, Case No. ICC-01/04-01/06-772, Appeals Chamber, 14 December 2006.

- ICC, The Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07-522, Appeals Chamber, 27 May 2008.

- ICTY, Prosecutor v. Furundzija, Case No. IT-95-17/1-T, 10 December 1998.

- ICC, The Prosecutor v. Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07, 11 May 2016.